

بررسی نقض حقوق بشر دوستانه در عملیات نظامی ارتش ترکیه در شمال شرق سوریه

مهدی حاتمی^۱ - فرید آزاد بخت^۲ یاسر بهشتی زاده^۳ - سید یاسر میری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱

چکیده:

در تاریخ روابط دو کشور ترکیه و سوریه مسئله کرد یکی از مهمترین عوامل تنش و بحران در روابط بین دو کشور بوده است. با آغاز بحران سوریه و جدی شدن فعالیت مخالفین دولتی در این کشور و همچنین تحت کنترل در آمدن تعدادی از شهرهای مهم سوریه توسط معارضین سوریه، بشار اسد را وادار کرد که برای خارج کردن کردها از جبهه معارضین کنترل مناطق کرد- نشین را به کردها سپرد و امتیازاتی به آنان داد که مهمترین پیامد این اقدام دولت اسد در رابطه با مناطق کردنشین سوریه تحریک و افزایش فعالیت استقلال طلبانه کردها در مناطق جنوبی و شرقی ترکیه شد. هدف این مقاله بررسی نقض مقررات حقوق بین الملل بشر دوستانه عملیات چشمه صلح در شمال شرق سوریه می باشد. اساسی ترین سوال، مقررات حقوق بین الملل نقض شده در شمال شرق سوریه چیست؟ روش تحقیق در این پژوهش بصورت تحلیلی - توصیفی می - باشد و روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه ای، استفاده از مقالات معتبر و اینترنت است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، سوریه، ترکیه، چشمه صلح

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، ایران: نویسنده مسئول

hatamilaw@uok.ac.ir

^۲ - استادیار و عضو هیات علمی، حقوق بین الملل، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی،

کرمانشاه، ایران

F.azadbakht@iauksh.ac.ir

^۳ - دانشجوی دکتری، حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

Beheshtizadeh.67@gmail.com

^۴ - دانشجوی دکتری، حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

s.yasser.miri@iran.ir

مقدمه:

ترکیه و سوریه بعد از جنگ جهانی دوم تا به حال در روابط دوجانبه خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اند. در این میان سه اختلاف اصلی همواره سایه خود را بر روابط این دو کشور حفظ کرده است. مسئله کردها، تقسیم منابع آبی مشترک و اختلاف ارضی بر سر استان هاتای، سه مسئله مهم و اختلاف انگیز در روابط ترکیه و سوریه بوده‌اند اما تحولات جدید در خاورمیانه، بخصوص در تحولات جاری بین ترکیه و سوریه، نقش کردها را پررنگ‌تر نموده است دولت ترکیه، همسایه شمالی سوریه، که تلاش وافر داشته از وجود اقلیت کرد در راستای اهداف خود در سوریه و کنترل کردهای ترکیه استفاده کند. دولت سوریه نیز سعی کرده است در طی دهه‌های اخیر از کردها بعنوان ابزاری برای فشار به دولت ترکیه استفاده کند. ترکیه همواره از بدو تأسیس با چالش جدی به نام کردها مواجه بوده است. در طول بیش از ۱۸ سال گذشته یعنی از زمانی که کردهای ترکیه در قالب حزب کارگران کردستان ترکیه یا پ.ک.ک در سال ۱۹۸۴ مبارزه مسلحانه را برای دستیابی به حقوق کردهای ترکیه آغاز کرد بیش از ۴۱ هزار کشته در ترکیه بر جای گذاشته است. علی‌رغم اینکه دولت ترکیه نگرانی‌های سیاسی و امنیتی مشروعی دارد اما نکته اینجاست که حمله ترکیه به خاک سوریه، تناقض‌هایی با قواعد حقوقی بین‌المللی دارد که تلقی شدن این حمله به عنوان تجاوز و ناقض منشور ملل متحد و اصل عدم توسل به زور از جمله این تناقضات است. (عبدالله، خوانی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) بدون تردید تهاجم نظامی ترکیه به سوریه، نه تنها نقض اصل بنیادین عدم توسل به زور است، بلکه این جنگ، طبق قطعنامه تعریف تجاوز که به اجماع به تصویب رسیده و همچنین بر پایه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنگ تجاوزکارانه به حساب می‌آید علاوه بر این اقدامات شبه نظامیان مسلح و گروه‌های شورشی و تروریستی وابسته به ترکیه از جمله ارتش آزاد در داخل خاک سوریه نیز، در تعارض آشکار با مقررات حقوق بین‌الملل و از جمله مصادیق آشکار تجاوز است. یکی دیگر از تناقضات حمله ترکیه به شمال سوریه با حقوق و قواعد بین‌المللی، عدم توجه به اصل منع مداخله در امور داخلی کشورهاست. اصلی که به عنوان یکی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل عرفی بوده و در منشور ملل متحد نیز بر آن تأکید شده است. چنانچه بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها نمی‌توانند در امور داخلی دیگر دولت‌ها نمایند و هر عمل مداخله‌گری که به نحوی حاکمیت و استقلال کشورها را تضعیف کند، نقض قواعد حقوق بین‌الملل خواهد بود. در مجموع، از نظر حقوق بین‌الملل بهانه‌های ترکیه نظیر مبارزه با تجزیه طلبان به هیچ وجه

نباید موجب خدشه‌دار شدن اصل حاکمیت دولت مرکزی سوریه بر این کشور و توجیه مداخله در امور داخلی این کشور شود و مداخله نظامی و شروع جنگ با تجزیه‌طلبان و تروریست‌هایی که اقدامات بی‌ثبات‌کننده، نظیر حمله به پست‌های مرزی، قاچاق تسلیحات و مهمات به درون ترکیه را انجام می‌دهند، بدون هماهنگی و اجازه از دولت مرکزی سوریه، به لحاظ حقوقی، به هیچ عنوان، توجیه‌پذیر و قابل دفاع نیست. (کارنر، ۱۳۸۶: ۴) روش تحقیق در این پژوهش بصورت تحلیل - توصیفی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای، استفاده از مقالات معتبر و اینترنت است.

مبحث اول: گردها

ملت کُرد به عنوان بزرگترین ملت بدون دولت جهان، بین کشورهای مستقل ترکیه، عراق، ایران، سوریه و شوروی سابق تقسیم شده است. این مردم با داشتن زبان، فرهنگ و تاریخ متمایز و علی‌رغم تلاش‌هایی که برای حل کردن آنها در هویت ملی کشورهای محل سکونت آنها انجام شده است، اکثراً دارای حس قوی هویت ملی هستند که آن را در درون و ماورای مرزهای کشوری که در آن زندگی می‌کنند، حفظ کرده‌اند. با وجود روابط پیچیده بین دولت‌هایی که دارای اقلیت کُرد بومی هستند، هویت کُردی ثابت کرده است که از لحاظ سیاسی مسئله‌ای پیچیده است. در نتیجه رژیم‌ها و سازمان‌های داخلی این کشورها که مسئول تعریف و توصیف کردها و کردستان هستند، دائم تحت تاثیر ملاحظات سیاسی قرار گرفته‌اند. عموم مورخان عقیده دارند که کردها مردمی با منشأ هند و اروپایی هستند که در محدوده جغرافیایی کردستان از ۴۰۰۰ سال قبل سکونت داشته‌اند، هرچند شواهد نشان می‌دهد که ساکنان قبلی منطقه کردستان غارنشینانی بوده‌اند که از حدود ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند. مدارک باستان‌شناسی از وجود مردمانی خبر می‌دهد که در مناطق کوهستانی کردستان در حدود ۶۰۰ تا ۵۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرده‌اند که دارای فرهنگ متمایز هالاف بوده‌اند. مرزهای تمدن و فرهنگ هالاف مشابه منطقه‌ای است که امروزه به نام کردستان شناخته می‌شود. (کاظمی، ۱۳۸۴: ۶)

گفتار اول: گردهای ترکیه

در ترکیه گروه‌های قومی متنوعی همچون اکثریت ترک کُرد، لاز، آذری، ترکمن، گرجی، زازا، چرکس، عرب، یونانی، ارمنی، آشوریها، کلدانی و یهودی وجود دارد. البته در

میان گروه‌های قومی موجود در ترکیه به چند دلیل جایگاه کردها اهمیت ویژه‌ای دارد. جمعیت بسیار زیاد کردها، به نحوی که پس از اکثریت ترک، کردها دومین گروه قومی پرجمعیت ترکیه محسوب می‌شوند یکی از دلایل این اهمیت است. همچنین درگیری‌های قومی چند دهه‌ای در حوزه گردنشین ترکیه که تلفات بسیار سنگین انسانی و اقتصادی بر جای گذاشته، نیز از دیگر سو بر اهمیت این مناطق افزوده است. در خصوص جمعیت کردهای ترکیه آمار دقیق و متقنی در اختیار نیست. برخی برآوردها از جمعیت ده تا سی درصدی کردها اعم از کرمانجها و زازاها در ترکیه خبر می‌دهند. کردها حدود ۲۱ تا ۲۵ درصد از جمعیت ۳۱ میلیون نفری ترکیه را تشکیل می‌دهند. حدود دوسوم کردهای ترکیه در جنوب شرقی و شرق ترکیه (موسوم به کردستان ترکیه) سکونت دارند. کردستان ترکیه با مساحتی حدود ۲۳۰ هزار کیلومتر مربع، ۳۰ درصد از خاک ترکیه را اشغال کرده است ۹۰ درصد از جمعیت کردستان ترکیه، کرد هستند. فقط ۱۰ درصد جمعیت این منطقه غیر کرد (اعراب، ارمنه، ترکها و علوی‌ها) می‌باشند. کردها در ۱۴ استان ترکیه از قبیل: (حکاری، وان، آغری، قارص، سیرت، تبلیس، موشی، دیار بکر، بینگول، تونجلی) در سیم (ماردین، اورفا، آدیامان و آلازیغ و.....) اکثریت جمعیتی را تشکیل می‌دهند. (مک داول، ۱۳۸۰: ۲۳۴) در سال‌های اخیر، دولت ترکیه به جمعیت ۱۰ تا ۱۵ میلیونی کردهای این کشور اعتراف کرده است (در حالی که قبلاً به کلی منکر هویت کردی بود) اما گروه‌های افراطی کردی رقم ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر را برای جمعیت کردهای ترکیه ذکر می‌کنند. ولی منابع بی طرف به جمعیتی در حدود ۲۰ میلیون نفر گرد در ترکیه اشاره دارند. برخی از تحلیلگران مدعی‌اند که نرخ زاد و ولد در میان کردهای ترکیه حدود دو برابر متوسط نرخ زاد و ولد در کل ترکیه است. این موضوع به شدت موجب نگرانی مقامات آنکارا شده است. علاوه بر این، موضوع مهاجرت کردها نیز مزید بر علت شده و نگرانی نخبگان سیاسی ترکیه را مضاعف کرده است. مهاجرت کردها از شهرهای شرقی و جنوب شرقی ترکیه به مناطق غرب و جنوب غربی باعث تغییر بافت جمعیتی بسیاری از شهرهای ترکیه (خصوصاً حاشیه شهرهای بزرگ) شده است؛ شهرهایی مانند ازمیر، آدانا، استانبول، آنکارا و... به محاصره کرد-های مهاجر در آمده‌اند. پدیده «محاصره شهرها توسط کردها» موجبات نگرانی بیشتر ترکها را فراهم کرده است. (نقدی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۴)

گفتار دوم: کردهای سوریه

مرزهای سیاسی سوریه بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های سرزمینی و قومی- ملیتی، تنها بر اساس منافع دول پیروز در جنگ تعیین شد و انواع گروه‌های قومی- مذهبی از جمله اعراب سنی، مسیحیان، علوی‌ها و کردها در ترکیب جمعیتی این کشور به چشم می‌خورد. بر اساس آمارهای مختلف کردها حداقل ۸ و حداکثر ۱۰ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. تعداد کردهای سوریه با جمعیتی حدود ۱/۵ تا ۲ میلیون نفر بطور قابل ملاحظه‌ای نسبت به کرد- های سایر کشورها کمتر می‌باشد. با وجود این مقامات سوری کردها را به عنوان یک اقلیت نژادی یا ملی نمی‌پذیرند، هرچند کردهای سوریه اعیاد و رسوم فرهنگی متفاوتی داشته و بدون توجه به موانع و مشکلات پیش روی، از فرهنگ خاص خویش تبعیت می‌کنند. با وجود تلاش های مکرر مقامات سوری جهت حل کردها در فرهنگ و هویت عربی، هویت کرد مشخص و مجزا باقی مانده است هرچند پراکندگی جغرافیایی آنها در سوریه مانع از آن شده است که بتوانند یک جامعه، فرهنگ و نیروی سیاسی متحد کرد تشکیل دهند. هر چند که مناطق کردنشین سوریه به مرزهای کردستان ترکیه و کردستان عراق متصل است ولی این مناطق در داخل خاک سوریه به صورت سه بخش مجزا از هم قرار گرفته و در بین آنها اعراب اسکان یافته- اند.

الف: منطقه الحسکه (جزیره)

این ناحیه به نام الجزیره نیز نامیده می‌شود زیرا بین رودهای دجله و فرات واقع است. این منطقه شهرهای "دیرک حمکو، تره سپی، گرکی لکی، درباسیه، سریکانی و حسکه" را شامل می‌شود و در حال حاضر سه چهارم آن تحت کنترل کردها قرار دارد. از یک سال گذشته مراکز و نهادهای مدنی و نظامی نیروهای کرد در شهرهای جزیره تأسیس شده است. جمعیت کردهای این منطقه نزدیک به دو میلیون نفر است. علاوه بر این نام جزیره، مترادف است با تولید کل محصولات کشاورزی سوریه.

میزان منابع نفتی رمیلان تقریباً با ذخائر نفتی کرکوک برابری می‌کند. به لحاظ جمعیتی و وجود منابع طبیعی، رمیلان با اهمیت ترین منطقه کردستان سوریه محسوب می‌شود. کلیه شهرهای جزیره تحت اداره استان حسکه قرار دارند. میزان منابع نفت رمیلان به تنهایی با کلیه منابع نفتی دیگر این کشور برابری می‌کند، یعنی چیزی در حدود منابع نفتی کرکوک.

ب: منطقه کوبانی (عین العرب)

کوبانی، منطقه‌ای که در روبروی دشت سوروچ و در شمال شرقی عفرین واقع در مرز ترکیه است. فاصله دشت سوروچ تا کوبانی ۱۰ تا ۱ کیلومتر است و روستاهای این دو منطقه در همسایگی همدیگر قرار گرفته‌اند. گری سپی/تل ابیض، عین عیسی، منبج و جرابلس از جمله شهرهای واقع در منطقه کوبانی هستند. کوبانی تقریباً شهری تمام کردنشین است هرچند به علت سیاست تعریب، شهرهای شرقی و غربی آن یعنی تل ابیض و جرابلس دارای جمعیت کرد و عرب به نسبت مساوی هستند اما اداره بیشتر این بخش‌ها نیز توسط کردها صورت می‌گیرد. این منطقه جمعیتی در حدود ۵۰۰ هزار نفر را در خود جای داده است.

ج: منطقه کرد-داغ (عفرین)

کرد-داغ یکی از متراکم‌ترین مراکز جمعیتی سوریه است و اکثر جمعیت آن کرد است شهر اصلی این ناحیه عفرین است که جمعیت منطقه عفرین نیز به ۵۰۰ هزار نفر می‌رسد. اما اخیراً کوچ کردها به این نواحی، شمار ساکنان آن را تا دو برابر افزایش داده است. بیشتر شهرها و روستاهای عفرین، مانند عزاز، جبل سامان و ادلب نیز به کنترل کردها در آمده است. این سه منطقه به لحاظ جغرافیایی از همدیگر جدا هستند. اما این ناپیوستگی جغرافیایی نتوانسته روابط و تعلق ارگان و نهادهای سیاسی را در آنجا با مشکل مواجه سازد. (یلدز کریم، ۱۳۹۰: ۶۷)

مبحث دوم: طرح ایجاد منطقه امن و اهداف ترکیه

طرح شکل‌گیری منطقه پروازممنوع یا منطقه امن در سال ۲۰۱۳ توسط طرف‌های مخالف دولت بشار اسد از جمله ترکیه مطرح شده بود اما چندین سال به‌طور مسکوت مانده بود و حال با توجه به حمله ترکیه به شمال سوریه، بار دیگر به سر زبان‌ها افتاده است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در رابطه با طرح منطقه امن، آنکارا به دنبال ایجاد نواری مرزی در عمق خاک سوریه است، این نوار حائل در برگیرنده شهرها و روستاهای ۳ استان حلب، الرقه و الحسکه سوریه است. این منطقه به طول ۴۶۰ کیلومتر مربع در امتداد مرز ترکیه و سوریه و به عمق ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتر) خواهد بود که از رود ساجور در غرب تا شهر کمالیه در شرق امتداد پیدا می‌کند.

بر اساس این طرح تمامی مناطقی که در شمال خط فرضی روستاهای صرین در استان حلب و عین عیسی در استان الرقه قرار دارند همگی تحت نام منطقه امن تحت کنترل مستقیم

کنترل مستقیم یا غیر مستقیم دولت ترکیه قرار خواهند گرفت. این منطقه شهر کردنشین قامشلی و شهرک‌های مهم و راهبردی، راس‌العین، تل‌تمر، الدرباسیه عامودا، وردیه، تل حمیس، قحطانیه، عریبیه و مالکیه را در بر گرفته و عین العرب و تل‌ابیض نیز از استان‌های حلب و الرقه نیز در شعاع آن قرار خواهند داشت. در خصوص اهداف ترکیه از طراحی این طرح برای سوریه تحلیل‌ها متفاوت است، اما آنچه مشخص است که ریشه نگرانی ترکیه به سال‌ها پیش بر می‌گردد. عمده نگرانی آنها، گروه نظامی کردی «یگان‌های مدافع خلق»^۱ به عنوان بخش اصلی از نیرو-های دموکراتیک سوریه است که در سال‌های اخیر از حمایت مالی، تسلیحاتی و سیاسی آمریکا و کشورهای غربی برخوردار بوده است. ترکیه این یگان‌ها را «تروریستی» و بخشی از «حزب کارگران کردستان»^۲ می‌داند و بارها آنها را به حمله نظامی تهدید کرده است. ترک‌ها معتقدند که کردهای مسلح سوریه (مانند ی.پ.گ، پ.ی.د و سایر جریان‌های مسلح کردی) با پ.ک.ک در ارتباط هستند و حتی به سوابق نبرد کوبانی اشاره می‌کنند ترکیه اعتقاد دارد که در طول شش سال گذشته این گروه نظامی توانسته است که حکومتی خودمختار را در شمال منطقه سوریه برقرار کند، این گروهک در سوریه و در زیر سایه حمایت غربی‌ها توانسته بود بدون آنکه نگرانی عمده‌ای بابت حملات هوایی و زمینی از جانب دولت مرکزی سوریه داشته باشد یا حتی نگرانی از بابت حملات ارتش ترکیه داشته باشد، به تعمیق دولت خود مختار و زمینه سازی برای جدایی و استقلال اکراد در درون کشور سوریه و سپس منطقه بپردازد. از این منظر، آنکارا معتقد است که حلقه نظامی کردهای سوریه باید مورد هدف قرار بگیرد تا شاهد به وجود آمدن منطقه مستقل کردی در مرزهای مشترک ترکیه با سوریه نباشند. دولت ترکیه معتقد است اگر در شمال سوریه منطقه کردی مستقل ایجاد شود، طیف زیادی از شهروندان کردتبار این کشور خواهان استقلال خواهند بود و بحران دیگری خلق خواهد شد. بر این اساس، مقامات ترکیه یکی از اهداف ایجاد منطقه امن در شمال سوریه را دور کردن این گروه‌های تروریستی از مرزهای ترکیه اعلام نموده‌اند.

^۱ - YPG

^۲ - PKK

گفتار اول: بررسی مشروعیت طرح و اقدام ترکیه

همانگونه که می‌دانید دفاع مشروع تنها در صورتی مجاز و مشروع است که مسبوق به وقوع حمله مسلحانه از سوی دولت مقابل باشد. همچنین لازم است که دفاع مشروع واجد عناصر لازمه آن یعنی تناسب و ضرورت باشد.

بند اول: مصداق تجاوز و ناقض اصل عدم توسل به زور

ماده ۳ قطعنامه تعریف تجاوز (قطعنامه ۳۳۱۴) مجمع عمومی سازمان ملل متحد را از نظر بگذرانیم. بر اساس بند چ مذکور اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یا از جانب یک دولت به منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولتی دیگر و... تجاوز محسوب می‌شود.

اصل منع توسل به زور نیز به عنوان قاعده آمره ایست که دولت‌ها را موظف می‌نماید تا از تجاوز و استفاده از نیروی نظامی به عنوان نماد اصلی توسل به زور علیه دولت و کشور دیگر پرهیز نمایند. منشور سازمان ملل متحد در بند ۱ ماده ۱ خود به «متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز» اشاره کرده و در بند ۴ ماده ۲ مقرر کرده است: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود» اصلی که بعد از منشور، مکرراً مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. با این وجود و به رغم پذیرش ممنوعیت توسل به زور و تحریم و جنگ، حقوق بین‌الملل در مواردی استفاده از زور و مبادرت به جنگ را مشروع و قانونی دانسته است. به عبارتی اصل منع توسل به زور دارای استثناهای مهمی است که اغلب مورد استناد قدرت‌هایی قرار می‌گیرد که به تهاجم نظامی و مداخله در دیگر کشورها اقدام می‌کنند. یکی دفاع مشروع است که در ماده ۵۱ منشور به آن اشاره شده است. دفاعی که باید جمیع شرایط آن موجود باشد؛ از جمله «وقوع حمله مسلحانه و رعایت شرط ضرورت و تناسب» و دومین استثنا بر اصل منع توسل به زور، عملیات نظامی بین‌المللی است. «طبق ماده ۴۲ منشور چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۱ منشور (مجازات دیپلماتیک و اقتصادی) کافی نبوده یا ثابت شود که کافی نیست، می‌تواند وارد مرحله اقدامات قهری یا استفاده از زور شود و به‌وسیله نیروهای هوایی، دریایی و زمینی عملیاتی را که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند انجام دهد.» به عبارت دیگر، منشور ملل متحد که جهت صلح و امنیت پایدار تدوین شده است ممنوعیت

کاربرد زور علیه استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها را از اصول اساسی تلقی نموده است. اسناد مهم بین‌المللی و عملکرد سازمان ملل متحد درباره منع کاربرد زور یا حتی تهدید به استفاده از آن مبین این معنی است که اصل مذکور کاملاً در حقوق بین‌الملل جا افتاده است.

بر این اساس، شکل‌دهی به طرح ایجاد منطقه امن که با تهاجم نظامی ترکیه به سوریه همراه بوده است، نه تنها نقض اصل بنیادین عدم توسل به زور هست، بلکه بر طبق قطعنامه تعریف تجاوز و همچنین بر پایه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنگ تجاوزکارانه به حساب می‌آید.

بند دوم: ناقض اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها

توجه به اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها، یکی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل عرفی بوده و در منشور ملل متحد نیز بر آن تأکید شده است، در این خصوص قطعنامه‌های مجمع عمومی که بیانگر عرف بین‌المللی در این مورد هستند، تأکید دارند که هر کشور موظف است از مداخله در امور داخلی یا خارجی کشورهای دیگر خودداری نماید. این اصل بعدها در برخی از قطعنامه‌های مجمع عمومی به گونه‌ای عام، با گستره زیادتری مورد تأیید قرار گرفت و موجب شد هرگونه مداخله مستقیم و غیرمستقیم و مسلحانه محکوم شود و هر نوع مداخله نقض حقوق بین‌الملل اعلام گردد. همچنین در دو رأی صادر شده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری، در قضیه تنگه کورفو: [در دعوای آلبانی علیه انگلیس که این کشور مبادرت به جمع‌آوری مین از تنگه کورفو نموده و اظهار داشته بود که عملیات مذکور نوعی خودیاری و در نتیجه مداخله مشروع در امور آلبانی بوده است، دیوان این دلیل را نپذیرفت و بر اصل عدم مداخله تأکید کرد] و در دعوای نیکاراگوئه: [رأی مورخ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۶ در مورد دعوای نیکاراگوئه علیه آمریکا که دیوان مداخله آمریکا را محکوم نمود؛ و اصل عدم مداخله را به عنوان یک تعهد حقوقی به رسمیت شناخته است]، به طور روشن و گویا اصل عدم مداخله به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی تلقی و رعایت آن مسلم شمرده شده است، گرچه در موضوع مداخله مشروع در بحث ارسال نیروهای نظامی از سوی دولت یا دولت‌های دیگر به دولتی که درگیر جنگ و شورش داخلی شده، نکته‌ای که وجود دارد و آن اینکه اگر ارسال نیروی نظامی با رضایت و درخواست دولت سرزمینی انجام شود، مداخله در امور داخلی آن دولت مشروع خواهد بود. در مجموع در عرصه بین‌المللی هر عمل مداخله‌گری که به نحوی حاکمیت و استقلال کشورها

را تضعیف کند، نقض قواعد حقوق بین‌الملل خواهد بود بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها نمی‌توانند در امور داخلی دیگر دولت‌ها دخالت کنند. لذا، توجه به این اصل می‌تواند عدم مشروعیت طرح ایجاد منطقه امن توسط ترکیه و یا هر کشور دیگری را تأیید نماید.

علاوه بر این، از نظر حقوق بین‌الملل بهانه‌های ترکیه نظیر مبارزه با تجزیه طلبان به هیچ وجه نمی‌تواند موجب خدشه دار شدن اصل حاکمیت دولت مرکزی سوریه بر این کشور و توجیه مداخله در امور داخلی این کشور گردد، لذا اگر مشکل و بحرانی در داخل سوریه وجود دارد، باید با مدیریت، همکاری و موافقت دولت مرکزی سوریه و با محوریت ارتش این کشور حل و فصل شود.

گرچه ترکیه، بهانه حفظ امنیت مرزهای خود را دلیلی برای طرح ریزی منطقه امن مطرح می‌کند، اما این کشور باید بداند که بر مبنای حقوق بین‌الملل، مسئولیت حفظ امنیت مرزهای شمالی سوریه بر عهده ارتش و دولت مرکزی این کشور می‌باشد و ترکیه باید برای حفظ امنیت در مرزها و مقابله با تجزیه طلبان، با حکومت مرکزی سوریه تماس برقرار نماید، نه اینکه طرح امنیتی خود سرانه‌ای را برای کشور دیگر ایجاد کند.

بند سوم: ناقض مقررات عام الشمول بشردوستانه

همان‌گونه که اشاره گردید، از دلایل ترکیه برای ایجاد منطقه امن در سوریه، فعالیت گروه‌های تروریستی تجزیه طلب در شمال و شمال شرق کشور سوریه و مقابله تهدید قریب الوقوع و خنثی سازی فعالیت‌های تروریستی این گروه در نزدیکی مرزهای خود است و بر این اساس ترکیه حمله و نابودی به پایگاه‌های این گروه در خاک سوریه را حق مشروع خود معرفی می‌نماید. نکته اینجاست که مبارزه ادعایی ترکیه با تجزیه طلبان تروریست نباید خارج از چارچوب‌های حقوق بین‌الملل صورت پذیرد و به نقض مقررات عام الشمول بشردوستانه منجر گردد، در غیر این صورت این نوع از مبارزات، بیش از اقدامات تروریستی، نظم حقوقی بین‌المللی را مختل نموده، صلح و امنیت جهانی را در معرض تهدید قرار داده و حقوق بشر مردم بی‌گناه را نقض می‌کند.

لذا حقوق بین‌الملل، هرگونه تأمین امنیت را به اشکال جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی را که از طرف ارتش این کشور در سوریه منجر شود را نمی‌پذیرد.

مبحث سوم: التزام دولت ترکیه به رعایت حقوق بشر

عملیات نظامی ترکیه موسوم به «چشمه صلح» مناطق شمال سوریه را آماج حملات خود قرار داده است. دولت ترکیه در بیانیه‌های رسمی در نامه‌ای که به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کرده ضمن استناد به ماده ۵۱ سازمان ملل متحد ادعا می‌کند که در مقام اعمال حق دفاع مشروع و برای دفع تهدیدات تروریستی وارد خاک سوریه شده است.

گروه‌های کُرد در خاک سوریه که در مناطق مرزی ترکیه مستقرند بارها اهدافی را در خاک ترکیه مورد حمله قرار دادند و بنابراین گفته شده این عملیات در پاسخ تهدیدات تروریستی انجام شده است. با این حال، دولت ترکیه با عملیات نظامی که در خاک سوریه انجام داده، مرتکب تجاوز شده و حقوق بین‌الملل توسل به زور را نقض کرده و بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را زیر پا گذاشته است.

سؤالی که در اینجا باید مطرح شود این است: که آیا می‌توانیم با این عملیات و اقداماتی که دولت ترکیه در حال انجام آن است، این دولت را متهم به نقض حقوق بشر کنیم یا خیر؟ دولت ترکیه در کنوانسیون ۱۹۵۰ رم، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی عضویت دارد و این دولت ملتزم به قوانین بین‌المللی و حقوق بشر است. دولت ترکیه برای اینکه راه ورود خود را به اتحادیه اروپا باز کند، به عضویت اغلب معاهدات بین‌المللی حقوق بشر درآمده است. در این حالت چند سؤال دیگر مطرح می‌شود؛ آیا معاهدات بین‌المللی حقوق بشر که دولت ترکیه عضو آنها است در مخاصمات مسلحانه و درگیری‌های نظامی که اکنون در خاک سوریه در جریان است قابلیت اعمال دارد؟ می‌توانیم دولت ترکیه و اقدامات نیروهایش در خاک سوریه را بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد قضاوت قرار دهیم؟ پاسخ این سؤال مثبت است.

اعمال همزمان حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بشر به صورتی گسترده در رویه بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. تصور نکنیم حقوق بشر مختص زمان صلح است و حقوق بشر دوستانه مختص زمان جنگ و درگیری‌های مسلحانه نیست. ممکن است در مورد حقوق بشردوستانه تا حدی این ادعا مصداق داشته باشد، اما حقوق بشر مختص زمان صلح نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در سال ۲۰۰۴ در مورد ساخت دیوار حائل توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی تصریح می‌کند که وجود یک مخاصمه مسلحانه و اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در آن مخاصمات به معنای توقف اجرای حقوق بشر

نیست. دیوان در این رأی اعلام می‌کند که از جمله حق حیات در وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه نیز اعمال می‌شوند. ضمن اینکه قواعد حقوق بشردوستانه می‌توانند بر تفسیر و اجرای ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد حیات قابلیت اعمال داشته باشند. هم حقوق بین‌الملل بشر و هم بشردوستانه مکمل یکدیگر هستند. شورای امنیت بارها در قطعنامه‌های خود تصریح کرده که قواعد حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه نیز قابل اعمالند. شورای امنیت در قطعنامه ۱۱۸۱ خودش در سال ۱۹۹۸ در مورد سیرالئون تصریح می‌کند که تمام گروه‌ها و نیروهای درگیر در سیرالئون باید حقوق بشر را رعایت کنند کما اینکه ملزم به اجرای حقوق بشردوستانه هستند.

گفتار اول: مغایرت حمله ترکیه با قوانین حقوق بین‌الملل

در این باره می‌توان به نامه ارسالی دولت ترکیه به سازمان ملل اشاره کرد که جهت رعایت ماده ۵۱ منشور ملل متحد به لحاظ شکلی و اعلام شروع حمله به استناد دفاع مشروع، ارسال گردیده است.

در این باره می‌توان از یکسو ضمن زیر سوال بردن عدم نشان دادن اسناد کافی توسط دولت ترکیه مبنی بر اینکه در نواحی مرزی به برخی از پاسگاه‌های مرزبانی ترکیه حمله شده است از سوی دیگر نیز گفت حتی اگر بر فرض این ادعای دولت ترکیه را بپذیریم که از سوی برخی از نیروهای کُرد سوری به سوی پاسگاه‌های مرزی ترکیه تیراندازی شده است، در هیچ یک از قواعد بین‌المللی به این بهانه اجازه لشکرکشی یک دولت بسوی دولت دیگر داده نمی‌شود و در این مورد رای‌های قاطع مجامع حقوقی بین‌المللی در موارد مشابه دیگری طی چند دهه اخیر داشته و داریم و همگی حاکی از آن است که حتی این ادعای ترکیه بر فرض درست بودن نیز حتی هیچگونه مشروعیت و حقی به این کشور برای چنین حمله‌ای را نمی‌دهد و در نتیجه این حمله نقض آشکار قواعد و قوانین بین‌المللی است.

«حملات آتی در عملیات موسوم به چشمه صلح، جهت خنثی کردن حملات تروریستی قریب الوقوع و در واکنش به آتش باری نیروهای کرد سوری به پست‌های مرزی ترکیه صورت می‌گیرد».

در تحلیل این بند از نامه دولت ترکیه، می‌توان به عدم رعایت اصل تناسب و همچنین عدم پذیرش عام‌دکترین دفاع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل اشاره کرد که سبب می‌شود، علی‌القاعده ادعا و استناد به ماده ۵۱ منشور از سوی دولت ترکیه مسموع نباشد.

«ترکیه اعلام و ادعا کرده است که در طی این عملیات، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را رعایت می‌کند».

در تحلیل این بند نیز، با بیان این نکته که، اختیار دولتها در جنگ نامحدود نیست، به موارد نقض قواعد IHL از سوی افراد وابسته به ارتش آزاد سوریه اشاره کردند که به عنوان عملی متخلفانه قابل انتساب به دولت ترکیه را دارند.

• از اهداف این عملیات اسکان پناهندگان سوری است.

توافق اخیر میان ترکیه و روسیه نسبت به این مسئله مسکوت است و بعید به نظر می‌رسد که دولت ترکیه عملاً و به راحتی موفق به انجام این کار در ابعادی که مدنظر دارد، گردد و صرفاً به اظهار دولت ترکیه در نامه ارسالی به سازمان ملل استناد نموده که صرف اظهار آن یعنی اقدام به تغییر بافت جمعیتی و ساختار یک منطقه و این عمل تحت شرایطی از مصادیق پاکسازی قومی است.

نهایتاً نقض آشکار محدوده ۵ کیلومتر مندرج در توافق نامه آدانا و عدم رضایت دولت مرکزی سوریه مورد اشاره این اسناد حقوق بین‌الملل قرار گرفت که همگی موید تجاوز ترکیه به خاک سوریه می‌باشند.

مبحث چهارم: مغایرت حمله ترکیه با توافق آدانا

اقدامات ترکیه در خاک سوریه خلاف موازین بین‌الملل است. دولت ترکیه بر خلاف موافقت نامه آدانا ۱۹۹۸ تا عمق سی کیلومتری وارد خاک سوریه شده و در پی ایجاد کمربند امنیتی در خاک سوریه است تا بتواند خود را از حملات تروریستی در آینده مصون بدارد. در این عملیات صدها نفر کشته و صدها هزار نفر آواره شدند و بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل نقض شده است.

(www.irna.ir)

حقوق بشر به عنوان قاعده خاص در مقابل قاعده عام از اولویت برخوردار است. تعهدات ترکیه در حقوق بشر در جریانات اخیر قابل بررسی است. منع بازداشت خودسرانه، حق حیات در درگیرهای مسلحانه ترکیه به موازات حقوق بشری و حق توسل به زور قابل اعمال است، اگر دولت ترکیه با عضویت در معاهدات حقوق بشر ملزم شده است که آزادی‌های اساسی را محترم بشمارد و تضمین کند آیا این احترام فقط مخصوص سرزمین ترکیه است یا فراسرزمینی

است؟ اگر دولت ترکیه در خارج از قلمرو خود دست به اقداماتی بزند باید این قوانین را رعایت کند.

دیوان اروپایی حقوق بشر علیه دولت ترکیه تاکید می‌کند که تعهدات دولتها در زمینه حقوق بشر محدود به سرزمین تحت حاکمیت آنان نمی‌شود. هر منطقه‌ای که یک دولت تحت کنترل خود دارد تحت سیطره بین‌المللی حقوق بشر نیز خواهد بود. مردم سوریه که در خاک سوریه مورد تعرض نیروهای ترکیه قرار می‌گیرند تحت حمایت‌های حقوق بشری نیز هستند. قواعد بین‌المللی حقوق بشر نمی‌توانند به صرف وجود وضعیت فوق‌العاده عمومی به حالت تعلیق در بیایند. دولت ترکیه اعلام کرده است که تهدیدهای تروریستی امنیت این دولت را تهدید می‌کند. این قواعد در صورت اضطرار عمومی از حرکت متوقف می‌شوند. ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پاسخ به این سوال را مشروط می‌داند.

این اقدامات نمی‌تواند دفاع ترکیه را طبق قوانین مشروع قلمداد کند. حیات انسانها مهمتر است و سلب حیات مورد قبول نیست. کمیته حقوق بشر سازمان ملل تصریح می‌کند که هر نوع مخاصمه مسلحانه وضعیت اضطراری قلمداد نمی‌شود. در خلال مخاصمات مسلحانه یا تهدید به اقدامات تروریستی اقدامات تخطی از میثاق تنها زمانی می‌تواند اتفاق بیفتد که حیات یک ملت در خطر قرار گیرد و به کل جمعیت آسیب وارد شود که دولت نیز بخشی از آن است.

دولت ترکیه به این قید استناد نکرده است و شرایط اضطرار برای دولت آنکارا فراهم نیست و مفری برای فرار از این معاهده وجود ندارد. قواعد بین‌المللی حقوق بشر مقید به مکان و محدود در زمان نیستند. دولت ترکیه همانند سایر دولتها ملزم به رعایت حقوق بشر است و در تحولات سوریه باید موازین حقوق بشری و انسانی را مد نظر داشته باشد.

رئیس جمهوری ترکیه، این اقدام نظامی را عملیات علیه گروه‌های تروریستی حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) و یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ) بیان کرد.

سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای گزارش داد، تخمین زده می‌شود حدود ۴۰۰ هزار غیر نظامی در مناطق محل درگیری حضور داشته باشند که نیاز به محافظت و کمک دارند.

مبحث پنجم: حق دفاع مشروع

ترکیه در همان اولین روز آغاز حمله یعنی روز ۱۹ اکتبر طی نامه‌ای به شورای امنیت سازمان

ملل متحد، حمله نظامی خود را براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد و مبتنی بر حق دفاع مشروع توجیه کرد. بنابراین دولت ترکیه، شرط شکلی مندرج در ماده ۵۱ منشور دال بر اطلاع رسانی به شورای امنیت را رعایت کرده است حال باید دید که آیا شرایط لازم ماهوی در خصوص استناد به حق دفاع مشروع و همچنین دیگر موازین و قواعد نظام حقوق بین الملل، رعایت شده است یا خیر؟

مفاد نامه دولت ترکیه را می توان در ۸ محور دسته بندی کرد:

۱. مبارزه با تهدیدات قریب الوقوع تروریسم و خنثی کردن خطر همجواری تروریستها با مرز ترکیه.

حفظ امنیت مرزهای ترکیه: اشاره به بی نتیجه ماندن مذاکرات با آمریکا در خصوص تاسیس منطقه ای امن در امتداد مرز ترکیه با سوریه که خالی از حضور تروریستها در شمال شرق سوریه باشد و منافع مشروع امنیتی ترکیه را حفظ کند.

۳. نجات مردم سوریه از ازم ستم گروه پ.ک.ک و شاخه سوری آن و همچنین داعش.

۴. سازمان تروریستی بر آن است تا در شرق فرات جایگاه وسیعی پیدا کند و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی و همچنین تمامیت ارضی سوریه می باشد. حمله ترکیه در راستای از بین بردن هر نوع برنامه تجزیه طلبانه در سوریه انجام شده است.

۵. رعایت قطعنامه های شورای امنیت که به دول عضو مسئولیت مبارزه با تروریسم می بخشد و در این راستا ترکیه به قطعنامه ۱۳۷۳ و پنج قطعنامه دیگر اشاره می کند که پس از حمله به برج های دوقلو تصویب شده بودند.

۶. اشاره به موافقتنامه آدانا به عنوان تعهدی قراردادی که در ۲۰ اکتبر ۱۹۹۸ میان دولت های ترکیه و سوریه جهت مبارزه با تروریسم منعقد شد. البته این موافقتنامه بر مبارزه با گروه پ.ک.ک متمرکز بود و حداکثر به عمق ۵ کیلومتر اجازه تعقیب تروریست هایی را می دهد که پس از حمله به ترکیه وارد خاک سوریه شده اند.

۷. ترکیه این عملیات را در راستای تلاش هایش جهت تسهیل بازگشت امن و داوطلبانه آوارگان سوری به خانه های خود یا دیگر مناطق به انتخاب خودشان در سوریه مطابق مقررات حقوق بین الملل و آژانس های مرتبط ملل متحد انجام می دهد.

۸. توجه به رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه: (احتمالا منظور عفرین)، واکنش ترکیه متناسب، سنجیده و مسئولانه خواهد بود. حمله تنها علیه تروریستها، پایگاه ها، مخفیگاه ها، تجهیزات،

مواضع، سلاح‌ها، وسایل ترابری و سازو برگ آنها خواهد بود و تمامی احتیاطات لازم برای جلوگیری از آسیب به غیرنظامیان به عمل خواهد آمد.

گفتار اول: اقدام نظامی ترکیه را می‌توان بر اساس دفاع مشروع، موجه دانست یا خیر

دفاع مشروع تنها در صورتی مجاز و مشروع است که مسبوق به وقوع حمله مسلحانه از سوی دولت مقابل باشد. همچنین لازم است که دفاع مشروع واجد عناصر لازمه آن یعنی تناسب و ضرورت باشد.

دولت ترکیه بر این ادعاست که نیروهای نظامی وابسته به سازمان بر روی پست‌های مرزی ترکیه آتش گشوده‌اند، همچنین از تک تیراندازها، و سلاح‌های پیشرفته مانند موشک‌های هدایت شونده ضدتانک استفاده می‌کنند. (احتمالا منظور ترکیه در اینجا، استفاده قبلی چریک‌های کرد از این موشکها در دفاع از شهر کردنشین عفرین بوده است که در سال ۲۰۱۸ به اشغال ترکیه درآمد).

همچنین دولت ترکیه مدعی است که تروریست‌ها، اقدام به قاچاق مواد منفجره، سلاح و مهمات به داخل ترکیه نموده و آن را در اختیار پ.ک.ک قرار داده‌اند تا از این سلاح‌ها نه تنها در سرزمین ترکیه بلکه در مناطق عفرین و باب علیه ترکیه و نیروهای ارتش آزاد سوریه استفاده شود و موجب کشته شدن افراد بیگناه ترک و سوری در عملیاتهای تروریستی شده‌اند. نیروی نظامی به شدت این اتهامات را انکار کرده است و مدعی است که تا قبل از تهاجم نیروی نظامی ترکیه به عفرین و اینک به شمال شرق سوریه، حتی یک گلوله به خاک ترکیه شلیک نشده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری، تنها آن نوع حملات و اقداماتی می‌تواند توسل به دفاع مشروع از سوی دولت مدافع را توجیه کند که به سطح و آستانه حمله مسلحانه رسیده باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه میان دو نوع حملات تمایز قایل است:

الف. گونه‌های شدید توسل به زور

ب. گونه‌های کمتر شدید توسل به زور

به اعتقاد دیوان، مواردی همچون برخوردها و درگیریهای مرزی میان دولتها در زمره گونه‌های کمتر شدید توسل به زور قرار دارند و این نوع موارد را نمی‌توان محسوب کرد. بدیهی است دولتی که اقدام به این توسل به زور کرده، دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود اما دولت قربانی حمله نمی‌تواند تحت عنوان دفاع مشروع به سرزمین آن دولت حمله کند بلکه می-

بایست از طریق دیگر ابزارهای در دسترس حقوق بین‌الملل، با اقدامات متخلفانه مقابله کند. همچنین در بند ۱۴۷ قضیه شکایت کنگو علیه اوگاندا، دفاع مشروع را تنها در برابر «حملات در مقیاس وسیع» مجاز دانست. و از آنجا که حملات گروه‌های شورشی اوگاندا که در خاک کنگو مستقر بودند را در این سطح تشخیص نداد، استناد و توسل دولت اوگاندا به دفاع مشروع را نپذیرفت. بنابراین (حتی با فرض پذیرش ادعای ترکیه) به نظر می‌رسد که تناسبی میان اقدامات انجام شده توسط گروه با حمله نظامی وسیع آن دولت در خاک سوریه وجود ندارد. مضاف بر آنکه یک هفته قبل از شروع این حملات، گروه سناگرها و استحکامات مرزی خود در مرز با ترکیه را تخریب نمود و آمادگی خود را برای نوعی عقب نشینی از مرزها اعلام کرده بود. بنابراین عنصر ضرورت نیز در انجام حمله نظامی هم در این موضوع وجود ندارد. نباید فراموش کرد که دولت ترکیه با انجام این عملیات در خاک سوریه، حاکمیت و تمامیت ارضی آن دولت را نیز نادیده گرفته است. در این قضیه، دولت‌های رواندا و اوگاندا مدعی بودند که حضور نیروهای نظامی آنها در سرزمین کنگو به خاطر سرکوب گروه‌های شورشی است که از خاک کنگو جهت حمله و تجاوز به سرزمینشان استفاده می‌کنند و به دلیل قصور و یا حتی حمایت دولت کنگو از شورشیان، خود ناچار به حضور در آن کشور جهت سرکوب گروه‌های مخالف شده‌اند. دیوان به صراحت نسبت به ممنوعیت یا جواز اقدام کنگو اشاره‌ای نمی‌کند بلکه در مقام ارزیابی دفاع مشروع ادعا شده از سوی اوگاندا، اقدام کنگو را در سطح حمله مسلحانه توصیف ننمود و در نتیجه حق دفاع مشروع را برای دولت اوگاندا موجود ندانست و ادعای دفاع مشروع را به دلیل عدم رعایت تناسب رد کرد. (Calabrese, ۱۹۹۸) مضاف بر آنکه ضروری بودن دفاع مشروع را زیر سوال برد.

مبحث ششم: مشروعیت و جایگاه اقدام نظامی ترکیه در حقوق بین‌الملل

اقدام نظامی ترکیه به جهت نجات مردم سوریه از ستم گروه پ.ک.ک و شاخه سوری آن و همچنین داعش صورت پذیرفته است. به نظر می‌رسد که این ادعای ترکیه در چارچوب «نظریه مسئولیت حمایت» می‌تواند قابل بررسی باشد. اما اقدام نظامی ترکیه را نمی‌توان با این نهاد توجیه کرد زیرا اولاً مخالفان حکومت خود مدیریتی کردها در شمال شرق کردستان، حداکثر مدعی بوده‌اند که آنها مخالفان سیاسی خود را در امر حکومت‌داری شرکت نمی‌دادند اما پذیرفته‌اند که تمامی گروه‌های قومی و مذهبی در آن منطقه از جمله کردها، آشوری‌ها و مسیحیان در

ترکیب حکومت حضور داشتند. ثانیاً شرط لازمه برای اعمال مسئولیت حمایت آن است که کشتار قابل توجه‌ای در منطقه مورد نظر از سوی حکومت مرکزی و یا محلی حاکم بر آنجا علیه مردم روی داده و به جهت ناتوانی حکومت مرکزی جهت پاسداری از مردم، جامعه بین‌المللی از جمله دیگر دولتها موظف به اقدام جهت حمایت از مردم تحت ستم می‌باشند این در حالی است که خود حمله نظامی ترکیه، موجب آوارگی و آسیب به مردم غیرنظامی ساکن در آنجا شده است. ثالثاً مرجع تشخیص و اقدام برای مسئولیت حمایت نمی‌تواند اقدام یکجانبه یک دولت باشد بلکه شورای امنیت و یا حداقل یک سازمان منطقه‌ای می‌بایست مجوز این اقدام را صادر کرده باشد و حمایت از طریق تعداد قابل توجهی از دولتها صورت بپذیرد.

همچنین ادعا می‌شود که اگر توسل به زور با نیت نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت هدف مداخله نباشد، مغایر منشور ملل متحد نیست. این ادعا مورد حمایت حقوقدانانی چون رایزمن، داماتو، مک دوگال و لیلیچ می‌باشد. دولت ترکیه نیز معتقد است چون هدف و مقصود اصلی دولت ترکیه، نقض تمامیت ارضی سوریه نیست و تنها برای مبارزه و بیرون از منطقه‌ای به عمق ۳۲ کیلومتر وارد خاک سوریه شده است، راندن گروه تروریستی لذا عملیات چشمه صلح، مغایر مقررات حقوق بین‌الملل نیست.

این نظریه توسط غالب حقوقدانان و همچنین در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۶ رد شده است. در این ارتباط، به سه پرونده اشاره می‌کنم.

الف : پرونده کورفو

قضیه کانال کورفو درباره دعوای انگلستان علیه آلبانی مورخ ۲۸ مارس ۱۹۴۸ بود. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی معروف کورفو و در پاسخ به استدلال دولت انگلیس در توجیه مین روبی تنگه و استفاده از زور آن دولت بر مبنای خود یاری و این ادعا که هدف این دولت از توسل به زور نقض تمامیت ارضی و استقلال دولت آلبانی نبوده و صرفاً در جهت رفع موانع ایجاد شده بر سر حصول حق دولت انگلستان در بهره برداری از تنگه و تحصیل مدارک جهت تعیین دولت مسئول نابودی کشتی‌های انگلیسی بوده است و در نتیجه مشروع می‌باشد چنین می‌گوید: «حق ادعا شده مداخله به عنوان تجلی سیاست زور که در گذشته وجود داشته است موجب سوء استفاده‌های زیادی شده است و با توجه به نقائص موجود در سازمان بین‌المللی در حقوق بین‌الملل امروزی نمی‌تواند جایگاهی داشته باشد».

ب: پرونده نیکاراگوئه

در قضیه نیکاراگوئه در ژوئن ۱۹۸۴، دیوان بین‌المللی دادگستری مجدداً بر ممنوعیت توسل به زور تأکید می‌کند و در محکومیت توسل به زور ایالات متحده آمریکا علیه نیکاراگوئه اعلام می‌دارد: «هر چند دولت ایالات متحده آمریکا احتمالاً می‌تواند از دیدگاه و نظر خویش، چگونگی رعایت حقوق بشر در نیکاراگوئه را مورد قضاوت و سنجش قرار دهد. اما در هر صورت، کاربرد زور، روش مناسبی برای نظارت و رعایت حقوق بشر نیست».

ج: پرونده کنگو علیه اوگاندا

در قضیه شکایت کنگو علیه اوگاندا، دیوان با ۱۶ رای موافق و تنها با رای مخالف قاضی ویژه اوگاندا دولت اخیر را به دلیل درگیر شدن در فعالیت‌های نظامی علیه جمهوری دموکراتیک کنگو و در سرزمین آن کشور، با اشغال «ایتوری» و با گسترش فعالانه حمایت‌های نظامی، لجستیک، اقتصادی و مالی از نیروهای نامنظم که در سرزمین کنگو فعالیت می‌کردند، اصل منع توسل به زور در روابط بین‌المللی و منع مداخله را نقض کرده است.

همانگونه که برونوسیم (قاضی کنونی دیوان بین‌المللی دادگستری) خاطر نشان ساخته است، ممنوعیت مداخله بشر دوستانه و دیگر موارد توسل به زور حتی اگر نیت دولت مداخله کننده، نقض تمامیت ارضی دولت مورد مداخله نبوده است، دیدگاه غالب در حقوق بین‌الملل می‌باشد. در بخش دیگری از نامه دولت ترکیه به هدف غایی ترکیه از این عملیات اشاره شده که همان ایجاد منطقه امن است و در توافق ده ماده‌ای میان ترکیه و روسیه در سوچی به برخی جزئیات آن، اشاره شده است.

بدیهی است که تصرف بخشی از سرزمین یک دولت و ایجاد منطقه امن بدون رضایت دولت مرکزی، اقدامی خلاف مقررات حقوق بین‌الملل است. در این ارتباط اشاره به نامه مورخ ده اکتبر جمهوری عربی سوریه خطاب به شورای امنیت لازم است که فرازی از این نامه بدین قرار است:

جمهوری عربی سوریه با شدیدترین عبارات اظهارات بی پروا و اهداف خصمانه رژیم ترکیه و تقویت ارتش در مرز سوریه را محکوم می‌نماید. این به معنای نقض آشکار حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر لزوم احترام بر وحدت، یکپارچگی و حاکمیت سوریه، می‌باشد. رفتار خصمانه رژیم اردوغان، جاه طلبی‌های توسعه طلبانه ترکیه در قلمرو جمهوری عربی سوریه را آشکار می‌کند که به هیچ بهانه قابل توجیه نیست. هدف گفته شده ترکیه با

توافقنامه آدانا مغایر است و تنها با احترام و عمل به آن توافقنامه می‌تواند به هدف خود دست یابد».

همچنین رئیس جمهور ترکیه صراحتاً اعلام کرده است که نباید فلان گروه که هم اکنون نمایندگی بخشی از جامعه قومی سوریه را بر عهده دارند، در آینده سیاسی سوریه جایگاهی داشته باشند. این اقدام، نقض قوانین مستقر حقوق بین‌الملل از جمله قاعده منع مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌هاست. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه اصل منع مداخله را چنین توصیف کرده است:

«این اصل تمام دولت‌ها یا گروه‌هایی از دولت‌ها را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دیگر کشورها منع می‌کند. مداخله منع شده بایستی راجع به موضوعاتی باشد که هر دولتی به دلیل اصل حاکمیت اجازه دارد آزادانه در آن مورد تصمیم بگیرد. یکی از این موارد انتخاب سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تدوین سیاست خارجی می‌باشد» (Aras, 2008) از سوی دیگر، مقامات رسمی دولت ترکیه بارها اعلام کرده‌اند که خواهان اسکان سه میلیون و ششصد هزار نفر از آوارگان سوری که اینک در خاک ترکیه اقامت دارند در محدوده مناطق امن هستند. نظر به اینکه آوارگان سوری از دیگر مناطق کشور سوریه به ترکیه مهاجرت کرده‌اند، انتقال این جمعیت به منطقه محل سکونت کردها، مصداق بارز پاکسازی قومی است. یعنی همان اقدام محرمانه‌ای که دولت صربستان در طول دوران جنگ داخلی یوگسلاوی علیه مسلمانان بوسنی انجام داد و اقدام به جایگزینی صرب‌ها با مسلمانان در مناطق محل سکونت آنها کرد. در نظام معاصر حقوق بین‌الملل، چنین اقدامی، پاکسازی قومی نامیده می‌شود و نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل است.

در قضیه شکایت کنگو علیه اوگاندا دیوان با ۱۶ رای موافق و تنها یک رای مخاف قاضی ویژه اوگاندا در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵. دولت اخیر به دلیل درگیر شدن در فعالیت‌های نظامی علیه جمهوری دموکراتیک کنگو و در سرزمین آن کشور با اشغال (ایتوری) و با گسترش فعالانه حمایت‌های نظامی لجستیک اقتصادی و مالی از نیروهای نامنظم که در سرزمین کنگو فعالیت می‌کردند. اصل منع توسل به زور در روابط بین‌الملل و منع مداخله را نقض کرده است. دیوان در رای خود فعالیت‌های مسلحانه اوگاندا در قلمرو جمهوری دموکراتیک کنگو بین اوت ۱۹۹۸ تا ژوئن ۲۰۰۳ را ناقض قاعده منع توسل به زور در راستای اهداف تجاوزکارانه و همچنین ناقض حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه اعلام کرد.

گفتار اول: حمایت دولت ترکیه از ارتش آزاد سوریه (مجموعه‌ای از مخالفان دولت مرکزی سوریه) به عنوان پیاده نظام

دولت ترکیه در عملیات چشمه صلح به صورتی چشمگیر از نیروهای ارتش آزاد سوریه نیز استفاده کرده است. باید بررسی کرد که آیا دولتی خارجی می‌تواند به شورشیان مسلح دولتی دیگر، کمک نظامی نماید؟ چه رسد به آنکه در عملیات نظامی علیه دولت دیگر راسا از آنها استفاده کند؟ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه اعلام داشت که دولت می‌تواند از دولت خارجی درخواست کمک نماید اما دولت ثالث نمی‌تواند از نیروهای مخالف برای سرنگونی حکومت حمایت نماید. به اعتقاد دیوان «در حقوق بین الملل معاصر حق عمومی مداخله در حمایت از نیروهای مخالف دولت دیگر وجود ندارد» (Amini, 2010).

در قضیه شکایت کنگو علیه اوگاندا، دیوان بار دیگر از رویه پیشین خود در قضیه نیکاراگوئه حمایت کرد بر آن تاکید نمود. دیوان حمایت دولت کنگو از گروه‌های شورشی اوگاندا را احراز نکرد اما با اثبات حمایت دولت اوگاندا از شورشیان مخالف دولت کنگو اقدامات اوگاندا را مداخله در امور داخلی کنگو و تحریک جنگ داخلی در آن کشور دانست و عمل آن دولت را ناقض قاعده ممنوعیت منع مداخله دانست حتی اگر هدف اوگاندا سرنگونی حکومت کنگو نبوده باشد. مضاف بر آنکه مداخله نظامی غیر قانونی اوگاندا با چنان نیروها و در طول مدت زمانی انجام شده است که دیوان آن را نقض شدید قاعده ممنوعیت توسل به زور که در بند ۴ ماده ۲ منشور درج شده است دانست.

مبحث هفتم: نقض مقررات حقوق بین الملل بشردوستانه در عملیات چشمه صلح

متأسفانه در طول دوران عملیات موسوم به چشمه صلح، هم از روش‌های ممنوعه و هم از وسایل جنگی ممنوعه استفاده شده است. این عملیات منجر به آوارگی و رنج بیش از ۳۰۰ هزار نفر غیرنظامی شد.

بر اساس گزارش نهادهای ثالث فعال در امر حقوق بشردوستانه و حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین‌الملل و سازمان بشر دوستانه upp که در شهر رم ایتالیا مستقر است، موارد عدیده‌ای از نقض مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه گزارش شده است که اهم آنها به شرح زیر است:

- بمباران چند شهر کردنشین از جمله تل ابیض و راس العین (گری سپی و سربکانی) که حتی به توقف فعالیت‌های بیمارستان شهر تل ابیض منجر شد.
- حمله به کاروانی از افراد غیر نظامی که برای کمک و تخلیه مصدومان و مجروحان به

کاروانی از افراد غیر نظامی که برای کمک و تخلیه مصدومان و مجروحان به شهر سری کانی عزیمت کرده بودند. در نتیجه این بمباران هوایی، ۱۱ نفر کشته و ۷۴ نفر از جمله دو خبرنگار بین‌المللی زخمی شدند.

- اعدام خودسرانه غیرنظامیان از جمله اعدام ۹ نفر غیرنظامی در بزرگراه شامل اعدام خانم «هروین خلف» رهبر حزب سیاسی آینده و از فعالان حقوق زن و راننده او.

- حمله به آمبولانس‌های هلال احمر سوریه که در حال تخلیه مجروحان از شهر راس العین بودند.

- همچنین برخی گزارش‌ها که به تایید مراجع ثالث نیز رسیده است حکایت از استفاده دولت ترکیه و یا نیروهای تحت حمایت او از بمب‌های فسفری علیه نظامیان و غیرنظامیان گرد دارد. در سوی مقابل، گزارشاتی وجود دارد که نیروهای چریک کرد نیز گویا در مقام عمل تلافی جویانه اقدام به حملات راکتی علیه شهرهای مرزی ترکیه نموده‌اند و طی این حملات ۹ نفر از غیرنظامیان ترک کشته شده‌اند. بدیهی است که عملیات تلافی جویانه علیه غیرنظامیان مغایر مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه است حتی اگر در مقام تلافی و اقدام مقابله به مثل صورت گرفته باشد.

نتیجه‌گیری

ترکیه همواره از بدو تأسیس با چالش جدی بنام کردها مواجه بوده است. در طول بیش از ۱۸ سال گذشته یعنی از زمانی که کردهای ترکیه در قالب حزب کارگران کردستان ترکیه یا پ.ک.ک در سال ۱۹۸۴ مبارزه مسلحانه را برای دستیابی به حقوق کردهای ترکیه آغاز کرد بیش از ۴۱ هزار کشته در ترکیه بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه کردهای سوریه نیز بیش از ۸ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند تحولات در سوریه و نقش کردها در این کشور از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه به شمار می‌رود. بحران سوریه و رویکرد جدید کردها و کنترل برخی از شهرهای مرزی، ترکیه را در بحران سوریه درگیر کرده و بر سیاست های این کشور در سوریه تأثیری جدی گذاشته است. بحران سوریه فرصتی نیز به کردها برای رسیدن به اهداف خود چه در ترکیه و چه در سوریه داده است که بنا به اهمیت آن بدان پرداخته می‌شود. علی‌رغم اینکه دولت ترکیه نگرانی‌های سیاسی و امنیتی مشروعی دارد اما نکته اینجاست که حمله ترکیه به خاک سوریه، تناقض‌هایی با قواعد حقوقی بین‌المللی دارد

که تلقی شدن این حمله به عنوان تجاوز و ناقض منشور ملل متحد و اصل عدم توسل به زور از جمله این تناقضات است. متأسفانه در طول دوران عملیات موسوم به چشمه صلح، هم از روش‌های ممنوعه و هم از وسایل جنگی ممنوعه استفاده شده است. این عملیات منجر به آوارگی و رنج بیش از ۳۰۰ هزار نفر غیرنظامی شد. بر اساس گزارش نهادهای ثالث فعال در امر حقوق بشردوستانه و حقوق بشر از جمله سازمان که در شهر رم ایتالیا مستقر است، موارد عدیده‌ای از عفو بین‌الملل و سازمان بشردوستانه نقض مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه گزارش شده است که اهم آنها به شرح زیر است: بمباران چند شهر کردنشین از جمله تل ابیض و راس العین (گری سپی و سریکانی) که حتی به توقف فعالیت‌های بیمارستان شهر تل ابیض منجر شد. حمله به کاروانی از افراد غیر نظامی که برای کمک و تخلیه مصدومان و مجروحان به شهر سری کانی عزیمت کرده بودند. در نتیجه این بمباران هوایی، ۱۱ نفر کشته و ۷۴ نفر از جمله دو خبرنگار بین‌المللی زخمی شدند. اعدام خودسرانه غیرنظامیان از جمله اعدام ۹ نفر غیرنظامی در بزرگراه شامل اعدام خانم «هروین خلف» رهبر حزب سیاسی آینده و از فعالان حقوق زن و راننده او حمله به آمبولانس‌های هلال احمر سوریه که در حال تخلیه مجروحان از شهر راس العین بودند. همچنین برخی گزارش‌ها که به تایید مراجع ثالث نیز رسیده است حکایت از استفاده دولت ترکیه و یا نیروهای تحت حمایت او از بمب‌های فسفری علیه نظامیان و غیرنظامیان کرد دارد.

منابع فارسی

کتاب

- الیما، بئوار (۱۳۸۳)، آخرین مستعمره؛ بحران کردستان ترکیه از آغاز تاکنون، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پژوهنده
- عبدالله خوانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدها و چالش‌های پیش روی امنیت ملی ج.ا.ا، تهران، انتشارات مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر
- کارنر، واکر (۱۳۸۶)، یک ملت یک دولت. یک گروه قومی و ...، مترجمان علی یونسی و علی مرشدی راه، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کاظمی، احمد (۱۳۸۴)، جریان‌های کردی در ترکیه، تهران، کتاب آسیا، انتشارات مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر
- مک داول، دیوید (۱۳۸۰)، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانیز
- نقدی نژاد، حسن (۱۳۸۷)، نبرد بی پایان؛ مبارزه ترکیه با کردها، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک
- واعظی، محمود (۱۳۸۸)، روابط ترکیه و سوریه؛ از تعارض تا تعامل، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک
- یلدز، کریم (۱۳۹۰)، کردهای سوریه ملتی فراموش شده، ترجمه محمد خوشناو قاضی، تهران، نشر ابرار معاصر

Turkish Resources Articles

- Aras, Bulent and Rabia Karakaya Polat (2008), **From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relations with Syria and Iran**, Security Dialogue, No. 5
- Calabrese, John (1998), **Turkey and Iran: Limits of a Stable Relationship**, British Journal of Middle Eastern Studies, No. 1

Site

- www.aftabnews.ir
- www.irna.ir
- www.Cbsnews.com
- www.syriahr.com